

New nationalism in Europe and its consequences for Iran

(From the perspective of political sociology)

Abstract

Various analyzes of the growth of so-called new nationalism in Europe have been presented. Major analyzes focus on the consequences of inequality for political economy, globalization, European integration, and the issue of immigrants. According to this study, the emergence of the new nationalism to the historical roots, cultural heritage, and identity of EU countries as a fundamental variable in neo-nationalism in many analyzes has been neglected. This research addresses the various factors that led to the emergence of the new nationalist ideology in the European Union. The hypothesis of this article tries to conceive economic crises, migration, and the social-economic gaps by globalization and highlighting the identity interests and historical-cultural heritage of social forces which give rise to a new nationalism among the EU countries and its representation in the face of unionism. This also provides opportunities and consequences for the Islamic Republic of Iran that necessitate appropriate policy in this area. Explaining the new nationalism and then explaining the reasons for the emergence of the nationalism idea in the European Union led to the main scientific method to this research.

Keywords: New Nationalism, Globalization, Populism, National identity

ماهنامه علمی (مقاله علمی_ پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران،

سال پنجم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۴۰۱، صص ۳۶۰۶-۳۶۲۶

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.308924.2428>

ملی‌گرایی جدید در اروپا و پیامدهای آن برای ایران
(از منظر جامعه شناسی سیاسی)

سید رضا موسوی نیا^۱

جواد سوری^۲

تاریخ دریافت : ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

چکیده

تحلیل‌های مختلفی درباره رشد ناسیونالیسم جدید در اروپا ارائه شده است. عمده تحلیل‌ها بر پیامدهای نابرابری ناشی از اقتصاد سیاسی، جهانی شدن، ادغام اروپا و مساله مهاجران متمرکزاند. از منظر این پژوهش ریشه‌های تاریخی، میراث فرهنگی و هویتی کشورهای اتحادیه اروپا متغیری اساسی در ظهور نوملی‌گرایی است که در بسیاری از تحلیل‌ها مغفول مانده است. این مقاله به عوامل گوناگون ظهورانگاره ملی‌گرایی جدید در اتحادیه اروپا می‌پردازد. بر این اساس به این پرسش پاسخ می‌دهد که کدام عوامل در ظهور انگاره‌های ملی‌گرایی جدید در اتحادیه اروپا موثر هستند و این پدیده چه پیامدهایی برای ایران دارد؟ فرضیه‌ای که این مقاله سعی در بین‌الذهانی کردن آن دارد این است که بحران‌های اقتصادی، مهاجرت و شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از جهانی شدن با برجسته کردن علقه‌های هویتی و میراث فرهنگی تاریخی نزد نیروهای اجتماعی موجب ظهور ملی‌گرایی جدید در میان کشورهای اتحادیه اروپا و بازنمایی آن در مقابل اتحادیه‌گرایی شده است. این امر فرصت‌ها و پیامدهایی را نیز برای جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌نماید که سیاست‌گذاری مناسب در این زمینه را ضروری می‌سازد.

واژگان کلیدی: ملی‌گرایی جدید، جهانی شدن، پوپولیسم، هویت ملی

^۱دانشیار روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی. تهران. نویسنده مسئول ایران seyedreza_mousavi54@yahoo.com

^۲دانشجوی دروه دکتری جامعه شناسی سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی javadsoori1@gmail.com :

(۱) مقدمه

اتحادیه اروپا بر اساس آرمان همگرایی کشورهای اروپایی در روند جهانی شدن در ابعاد مختلف اقتصادی، پولی، مرزی، سیاست-خارجی و امنیتی از ۲۸ کشور اروپایی تشکیل شد اما این اتحادیه در سالهای اخیر با چالش‌های بزرگی از جمله بحران پناهجویان، بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ و نیز افزایش قابل توجه و حضور گسترده احزاب راست افراطی در عرصه سیاسی - اجتماعی مواجه شده است. بحران‌ها باعث شدند تا بر خلاف اهداف و چشم‌انداز اتحادیه یعنی تقویت همگرایی اروپایی، در برخی کشورها مسیر معکوس یعنی افزایش ملی‌گرایی و واگرایی طی شود که می‌تواند تهدیدهایی را متوجه جمهوری اسلامی نیز نماید.

تحلیل‌های مختلفی درباره ملی‌گرایی جدید در اتحادیه اروپا ارائه شده است. در بیشتر موارد، این تحلیل‌ها بر پیامدهای نابرابری اقتصادی، جهانی شدن، ادغام اروپا و مساله مهاجران متمرکز شده‌اند. ریشه‌های تاریخی، میراث فرهنگی و هویتی کشورهای اروپایی متغیری اساسی در ناسیونالیسم جدید است که در بیشتر تحلیل‌ها مغفول مانده است. به سخی دیگر گرایش‌های جدید به ناسیونالیسم در برابر جهانی شدن و اروپایی‌گرایی ناشی از احساس خطری است که دولت‌های اروپایی را تهدید می‌کند و آن احساس خطر از تاریخ و میراث فرهنگی و هویتی آنها الهام می‌گیرد. ظهور این پدیده در غرب تهدیدها و فرصت‌هایی در سطوح تعامل با اتحادیه اروپا، دولتها و نفوذ اندیشه ملی‌گرایی قومی به ویژه پس از ظهور برگزیت متوجه جمهوری اسلامی ایران می‌کند که تدوین سیاست‌های مناسب را ضروری می‌سازد. برای تبیین این مساله، از نظریه "نمادگرایی قومی" آنتونی دی اسمیت در خصوص ناسیونالیسم بهره می‌گیریم.

سوالی که این مقاله در پی پاسخ به آن می‌باشد، کدام عوامل در ظهور انگاره‌های ملی‌گرایی جدید در اتحادیه اروپا موثر بوده‌اند و این پدیده چه پیامدهایی برای ایران دارد؟ فرضیه‌ای که این مقاله سعی در بین‌الذهانی کردن آن دارد، عبارت است از: "بحران‌های اقتصادی، مهاجرت و شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از جهانی شدن با برجسته کردن علقه‌های هویتی و میراث فرهنگی - تاریخی نزد نیروهای اجتماعی، موجب ظهور ملی‌گرایی جدید در کشورهای اتحادیه اروپا و بازنمایی آن در مقابل اتحادیه‌گرایی شده است که می‌تواند فرصت‌ها و تهدیدهایی برای جمهوری اسلامی ایران فراهم نماید"

روش این مقاله توضیحی - تبیینی است، این نوشتار نخست ملی‌گرایی جدید در اتحادیه اروپا را توضیح می‌دهد و سپس بر اساس وزن متغیرهای دخیل به تبیین عوامل موثر در ظهور ملی‌گرایی جدید در این اتحادیه می‌پردازد.

(۲) پیشینه نظری

تعداد زیادی نظریه برای تبیین پدیده پیچیده ملی‌گرایی جدید وجود دارد، اما فقط تعداد کمی برای دستیابی به یک چهارچوب نظری مناسب می‌باشند.

گلنر در دیدگاه فرهنگی اجتماعی معتقد بود که ناسیونالیسم به عنوان يك کاتالیزور براي استقرار "فرهنگ والا"، فرهنگی که برای صنعتی شدن و پیشرفت جامعه به مدرنیته ضروری است، عمل می‌کند که برای دستیابی آن بر دستگاه‌های آموزشی تأکید می‌کرد.

با استفاده از سیستم آموزش و پرورش، استانداردهای فرهنگی از طریق برنامه درسی، به عنوان مکانیزمی (Gellner, 1983:64) و مدرن‌راسیون منطقی نتیجه جلوگیری از تخریب یا انحراف ارزشهای مشترک عمل می‌کنند و ناسیونالیسم و برای حفظ فرهنگ (Gellner, 1983: 55) است. صنعتی جامعه

اروپا امروز به‌رغم برنامه درسی آموزش استاندارد در کشورهای مدرن بسیار صنعتی از نظر قومی، فرهنگی و زبانی متنوع است، بنابراین تأکید گلنر بر آموزش نمی‌تواند دلیلی برای ظهور ملی‌گرایی در اروپای پسادرن عنوان شود.

مایکل مان، نیز مانند گلنر ملی‌گرایی را به عنوان یک پدیده نسبتاً مدرن اما با یک تفاوت طبقه بندی می‌کند، وی تلاش کرد تا عناصر سیاسی و فرهنگی را در تعریف خود بیاورد، "یک ایدئولوژی که برتری اخلاقی، فرهنگی و سیاسی یک گروه قومی [واقعی یا ساخته (Mann, 1996: 147) شده] را تأیید می‌کند".

از دست دادن (Alexander and Badcock, 2017) خلاف نظریه مان را می‌توان در منطقه کاتالونیا اسپانیا مشاهده کرد. اروپا نیز صدق می‌کند زمانی خودمختاری به افزایش گسترده گرایش‌های ملی‌گرایی در کاتالونیا منجر شد، این مساله در مورد اتحادیه موجب مقاومت ملی گرایان شد. که خواست یک هویت اروپایی ایجاد کند،

پرداز مارکسیست، ملی‌گرایی را مفهومی از پیشرفت می‌داند که بر اساس سنت کلاسیک نفوذگرایی یورو مرکز تام نیرن، نظریه این آنتی‌پاتی باعث ایجاد تکه تکه شدن سیاسی - اجتماعی می‌شود و مقاومت در برابر نیروهای (Blaut 2006:2) استوار است. (Nairn, 1975) سرکوبگر سیستم‌های سرمایه‌داری را ایجاد می‌کند

نایرن کشورهای مسلط اقتصادی را عامل ناسیونالیسم در کشورهای حاشیه‌ای می‌داند، این نظریه در تبیین ظهور ملی‌گرایی در کشورهای پیشرفته اروپای معاصر، مانند بریتانیا ناکام است.

مایکل هچتر دیدگاه انتخاب عقلایی را ارائه می‌دهد. وی ملی‌گرایی را نتیجه تعیین سرنوشت در پاسخ به حاکمیت مستقیم می‌داند. هنگامی که ملی‌گرایی دولت‌ساز توسط مقامات مرکزی پیگیری می‌شود، اگر به زور یا خیلی. (Hechter et al, 2006:2-3) داند اروپا نیز ابراز سریع برای ایجاد سازگاری‌ها اعمال شود، مورد بی‌زاری و مقاومت مردم قرار می‌گیرد. این در خصوص اتحادیه می‌گردد، قوانین و استانداردهای این اتحادیه ابتکار عمل را از دولت‌های ملی گرفته و نوعی تحمیل و عدم پذیرش را موجب شده (Hechter, 2000: 16) است.

وی از مقبره (Anderson, 2000: 6-7) بندیکت اندرسون نظریه مدرنیسم کلاسیک را در چهارچوب هویت سازی مطرح می‌کند. این حال، عدم توانایی (Anderson, 2000:9) سرباز گمنام برای ایجاد هویت استفاده می‌کند که نماینده ارادت و هویت ملی است. اندرسون در اهمیت عواملی مانند فرهنگ، قومیت و مذهب، جایی است که نظریه وی شایستگی و کاربرد خود را از دست می‌دهد، نقش این عوامل در شکل‌گیری هویت ملی در اروپا غیرقابل انکار است.

۳) چهارچوب نظری، نظریه نمادگرایی قومی

با مرور پیشینه نظری، و مقایسه آن با نظریه "نمادگرایی قومی" ۴ آنتونی اسمیت ۵ مشخص خواهد شد نظریات فوق به نسبت نظریه اسمیت از توان تبیین ضعیف تری برخوردارند.

اسمیت معتقد است که ایدئولوژی ناسیونالیسم پدیده‌ای مدرن است، اما تمرکز اسمیت در ایجاد هویت ملی ۶ چیزی است که نظریه وی را از سایر نظریه‌پردازان کلاسیک و مدرن متمایز می‌کند. (Smith, 1998:191) به اعتقاد وی اگرچه می‌توان ناسیونالیسم را به عنوان یک ایدئولوژی سیاسی با ویژگی‌های خاص خود، محصول دوران مدرن تلقی کرد، اما نمی‌توان پدیده ملت را محصول دوران

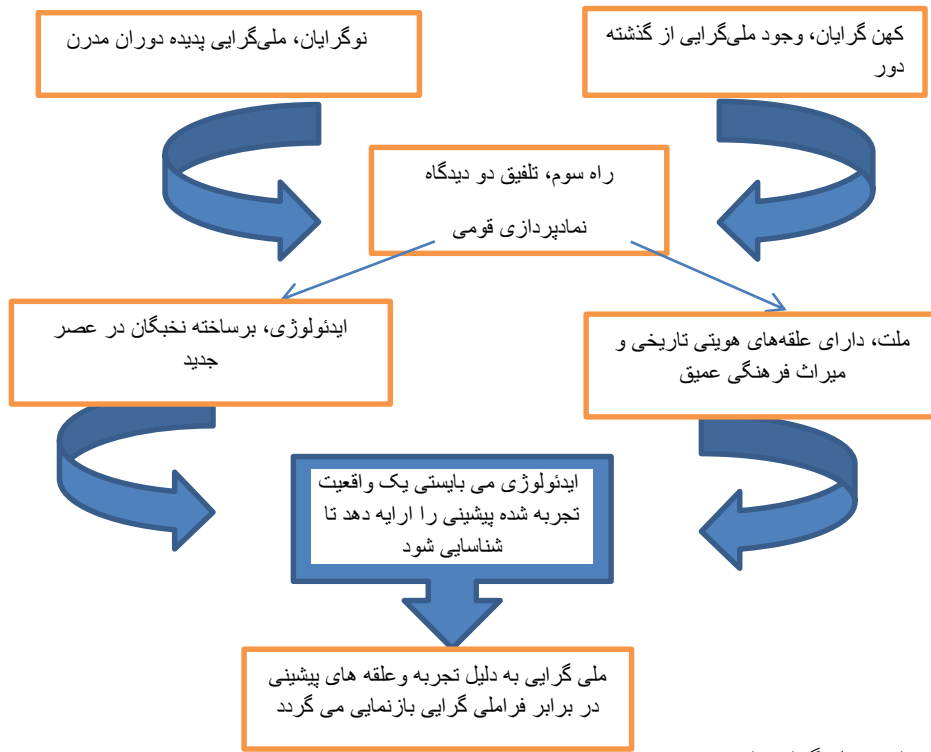
مدرن دانست که به وسیله نخبگان طراحی شده است، اگر چه نخبگان نقش‌های مهمی را ایفا کرده‌اند، ولی منابع اصلی ملت و هویت‌های ملی را باید در زمان‌های دورترری جستجو کرد، (اسمیت ۱۳۸۳:۳۲) زیرا ریشه‌های قدیمی ملت‌های مدرن موجب شکل‌گیری زوایای هویتی آنهاست. (Smith, 1991: 15-23) بنابراین هویت ملی بازتعریف و بازتفسیر دایمی الگوی ارزشها، نمادها، خاطرات، اسطوره‌ها و سنت‌هایی است که میراث تمایز ملت‌ها را تشکیل می‌دهند. (اسمیت ۱۳۸۳:۳۱) ملت‌های جدید بدون یک عقبه و میراث فرهنگی شکل نمی‌گیرند. (smith, 2008: 47)

مدرنیست‌ها معتقدند ریشه‌های ملت مدرن را باید به زمان متأخر یعنی از حدود قرون شانزدهم یا اواخر قرن هجدهم جستجو نمود. هدف اسمیت این است که نشان دهد نه دیدگاه کهن‌گرایان که ملی‌گرایی را پدیده‌ای ازلی و بسیار کهن می‌دانند و نه دیدگاه نوگرایان ۸ را می‌توان پذیرفت. اسمیت در مساله ملت با کهن‌گرایان ۷ و در مساله ملی‌گرایی با نوگرایان موافق است. (گیبرنا، ۱۳۷۸: ۴۲)

به اعتقاد اسمیت، ناسیونالیسم در جستجوی ایجاد ملت‌ها بر مبنای روح و تصویری اصیل اجتماعات مذهبی و قومی پیشین است، ولی در مواجهه با شرایط ژئوپلیتیک و اقتصادی و فرهنگی تغییر شکل می‌دهد. دولت‌سازی را نباید با جعل هویت ملی در میان جمعیت‌های متجانس فرهنگی خلط کرد، تدوین اسطوره‌های همگون‌ساز به دست نخبگان حاکم ممکن است گروه‌هایی را دچار بیگانگی کند. (اوزکریملی، ۱۳۸۳: ۱۵۵-۱۵۳) این بنا صرفاً از قومیت یا زبان مشترک و تاسیس یک ایدئولوژی ساخته نشده است، بلکه توسط تجربیات مشترک مردم در یک جامعه ساخته شده است و پدیده‌ای نخبگانی نیست. (Smith, 2004: 133) (هاچیسون و اسمیت، ۱۳۸۶: ۲۴۶-۲۴۷)

مدرنیست‌هایی مانند هابزبوم ۹ معتقدند ملی‌گرایی، به لحاظ تاریخی دیگر چندان اهمیت ندارد، امروز در بهترین حالت، عاملی مکمل یا تسریع‌کننده برای دیگر تحولات است. (Hobsbawm, 1990: 181) گلنر و اندرسون نیز معتقدند که پایان عصر ملی‌گرایی دور از ذهن نیست و در عصر جهانی شدن از ملی‌گرایی گذر شده است. در مقابل اسمیت می‌گوید تلقی ملت‌گرایی به منزله آموزه‌ای که در دوران مدرن رو به نابودی است و به زودی جای خود را به دوران تازه سازماندهی اقتصادی فوق ملی، همگون‌سازی فرهنگی و افول دولت ملی خواهد داد، شتاب زده و زود هنگام است. تا هنگامی که مرزهای سرزمینی، اساس توزیع اقتدار سیاسی در جهان است، ملی‌گرایی نیز با ما خواهد بود. (Smith, 1998: 192)

بر این اساس پشتیبانی مردمی - یعنی شناسایی ایدئولوژی - فقط در صورتی حاصل می‌شود که یک واقعیت تجربه شده پیشینی را تفسیر و ارائه دهد. البته این تجربه ممکن است از نظر سیاسی دستکاری شود، اما یک نماد یا ایدئولوژی بدون تجربه پیشینی، بی‌معنی و ناتوان است. (Bloom, 1990: 52) در نتیجه، نمادپردازی قومی نظریه‌ای کاربردی‌تر برای تبیین ملی‌گرایی اروپای امروزی است. این نظریه نه تنها انواع مختلف ملی‌گرایی را در بر می‌گیرد بلکه راه سوم و تلفیقی است که با بهره‌گیری از بسیاری از مولفه‌های نظریات مختلف، ظرفیت مناسبی برای بررسی این پدیده به دست می‌دهد.



شکل شماره ۱: عناصر ملی‌گرایی اسمیت

(۴) مفهوم ملی‌گرایی جدید

با بررسی نظریات گوناگون ناسیونالیستی می‌بایستی تعریفی از پدیده ملی‌گرایی جدید ارایه شود که بتواند شرایط ظهور این پدیده در عصر معاصر را تبیین نماید، زیرا اکنون دوگانگی جدیدی شکل گرفته‌است که بین ملی‌گرایی‌های قدیم و جدید تمایز قائل می‌شود که باید در پدیده جهانی شدن جستجو کرد، در ادبیات جهانی شدن، ناسیونالیسم در درجه اول به عنوان شکلی از چندپارگی، خاص‌گرایی توصیف می‌شود. (Kaldor, 1999:44) (Jurgensmeyer, 2002:3) (Delanty and O'Mahony, 2002:146)

برخی از طرفداران اصلی رویکرد جهانی شدن مانند گیدنز ۱ و کاستلز ۲ نیز بر ویژگی‌های ملی‌گرایی معاصر تأکید می‌کنند. گیدنز در مورد "احیای هویت‌های فرهنگی" یا "ملی‌گرایی" معتقد است که در پاسخ به گرایش‌های جهانی شدن پدیدار می‌شود. (Giddens, 2000:93)

کاستلز با گیدنز در مورد گسترش ناسیونالیسم موافق است، اما همانند اسمیت اهمیت فرهنگی آن را بیشتر برجسته می‌کند آن را منبعی از معنا و هویت می‌داند که داری این ویژگی‌ها است: نخست، ملت‌ها و ملی‌گرایی‌ها منحصرأ به دوره مدرن تاریخ اروپا مرتبط نیستند. دوم، ملی‌گرایی لزوماً یک پدیده نخبه‌گرایانه نیست. به ویژه امروزه، ملی‌گرایی به واکنشی علیه نخبگان جهانی تبدیل شده‌است و سرانجام، ناسیونالیسم معاصر به دلیل واکنشی بودن عمدتاً فرهنگی - هویتی و است. " (Castells, 1997:31)

دلانتی ۳ نیز، در تعریف خود با تأکید بر هویت می‌نویسد، "ناسیونالیسم می‌تواند به عنوان محصول بحران داخلی دولت در عصر جهانی شدن تلقی شود." (Delanty, 2000:96)

بنابرتعاریف فوق، ملی‌گرایی معاصر یا جدید، در درجه اول به عنوان یک پدیده واکنش‌پذیر، مردمی و شکلی از ابراز ناراضی اجتماعی - اقتصادی در متن جهانی شدن ظاهر می‌شود. ناسیونالیسم جدید شکل یک جنبش هویتی - فرهنگی ضد سیستمی جدید را به خود می‌گیرد. (Wallerstein, 1991: 143-144)

(۵) عوامل ایجابی ظهور ملی‌گرایی جدید در اتحادیه اروپا:

(۵-۱) جهانی شدن افراطی

این پرسش پیش می‌آید که چرا اشکال جدید ملی‌گرایی در دنیای امروز ظاهر شده‌اند؟ آنتونی گیدنز در این زمینه نتیجه می‌گیرد "جهانی شدن دلیل احیای هویت‌های فرهنگی محلی و ملی در مناطق مختلف جهان است." (Giddens, 2002:13)

بدین صورت که جهانی شدن، ناسیونالیسم را از چهار طریق بازنمایی می‌کند: (۱) یک واکنش دفاعی؛ (۲) نوعی مقاومت؛ (۳) پاسخ به نیاز شدید جامعه برای هویت و تعلقات پیشینی (۴) منبع معنا، فراهم آوردن درک مشترک و سیستم‌های ارزشی، نتیجه آن، ظهور نوع خاصی از ناسیونالیسم یا همان ناسیونالیسم جدید می‌باشد که بیانگر نوع ویژه‌ای از ناراضی و کینه عمومی ناشی از ایدئولوژی جهانی شدن است. (Held, 1995:94) (Guibernau, 1996:138) (Beiner, 1995:3)

در اتحادیه اروپا، شهروندان کشورهای مختلف اغلب به جهانی شدن به عنوان مترادفی برای از دست دادن شغل، بی‌عدالتی اجتماعی و استانداردهای پایین محیطی، بهداشتی و خصوصی می‌نگرند. این نگرانی‌ها در دهه ۱۹۸۰ ریشه دارد، زمانی که تجارت بین‌المللی فراگیر شد. این امر منجر به یک بازار کار با مقررات ارزان‌تر و تضعیف صنایع داخلی شد. (Saval, 2017)

علاوه بر این، دولت‌ها در اعمال سیاست‌های جبران‌کننده و توزیع مجدد ناموفق بودند این نیز به دلیل عمیق شدن جهانی شدن است، به نظر می‌رسد آزادسازی بازارها، درآمدهای مالیاتی دولت‌ها را از طریق شرکت‌های بزرگ افزایش دهد. با مطالعه ۶۵ کشور، مشخص شد بین ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۷ افزایش جهانی مالیات بر بار مالیات بر درآمد طبقه متوسط ایجاد شده است. (Egger, 2019:323) (Nigai, Strecker.)

در نتیجه مالیات بر شرکت‌ها کاهش یافت کشورهای اتحادیه اروپا در واقع یکی از بزرگترین بازندگان تغییر سود شرکت‌ها در فرآیند جهانی شدن بودند. (Torslov, Wier, and Zucman. 2018)

در چنین شرایطی، فروش ایده جهانی شدن برای احزاب اصلی بسیار سخت شد. بسیاری از رای‌دهندگان شاهد تعطیلی یا برون‌سپاری فعالیتهای خود در کشورهایی با حقوق پایین بوده‌اند. کل مناطق تولیدی کشورهای اروپایی با گذشت زمان رونق خود را از دست داده‌اند. اینها زمینه مساعدی برای موفقیت انتخاباتی احزاب وعده‌دهنده حمایت‌گرایی ملی فراهم می‌کند. زیرا بخش زیادی از رای‌دهندگان احساس می‌کنند که مشکلات آنها به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته‌است. (Frieden, 2017)

عوامل فوق باعث بی‌اعتمادی به فرآیند جهانی شدن گردید، نظرسنجی‌ها نیز نشان دادند که ۴۵ درصد از شهروندان اروپایی جهانی شدن را یک تهدید می‌دانند، ۵۳ درصد جهانی شدن را به عنوان خطری برای هویت کشور خود در نظر می‌گیرند. (کمیسون اروپا، ۲۰۱۷) یک گزارش دیگر نشان می‌دهد که ۴۲ درصد شهروندان اروپایی می‌خواهند قدرت بیشتری را از بروکسل بگیرند و به دولت‌های خود بازگردند. به نظر می‌رسد که بسیاری از شهروندان اروپایی توسط ارزش‌ها و اهداف اتحادیه اروپا به عنوان یکی از نمودهای جهانی شدن متقاعد نشده‌اند. (Stokes, 2016:7)

۲-۵) بحران اقتصادی

الگوهای نابرابری اجتماعی توسط بحران‌های مالی بزرگ جهانی و اروپایی تشدید شده و سیاست‌های ریاضت اقتصادی منجر به واکنش‌های مختلف سیاسی و اقتصادی گردیده‌است، ملی‌گرایی اقتصادی به عنوان یک گفتمان قدرتمند در بسیاری از امور سیاسی ظهور کرده‌است. در این راستا مفهوم "لیبرالیسم جاسازی شده" ۱۰ توسط راگی (۱۹۸۲) برای توصیف نظم اقتصادی بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم مطرح شد. بر این اساس آزادسازی اقتصادی در اروپا با توسعه سیستم‌های دولت رفاه همراه بود. این ترکیب سیاست‌های اقتصادی "لیبرال" و مقررات رفاه جهانی، هسته اصلی مدل "بازار اجتماعی" اروپایی را تشکیل داد. رشد اقتصادی پایدار که پس از جنگ جهانی دوم به دست آمد، مزایای گسترده‌ای در جامعه و حمایت گسترده سیاسی ایجاد کرد. این امر از طریق رأی به احزاب اصلی در دو جناح چپ و راست هدایت شد. با این حال، پایداری مدل لیبرالیسم جاسازی شده در دهه ۱۹۹۰ مشکل ساز و از رکود ۲۰۰۸ به بعد به یک بحران تبدیل شد. افزایش نابرابری درآمدی در بسیاری از کشورها، اعتبار این ایده را که مدل لیبرالی که توسط احزاب اصلی ترویج و به بهبود کلی شرایط اقتصادی منجر می‌شود، تضعیف کرد. (Colantone and Stanig, 2018:44)

هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی این فرآیند به زیان درآمد بیش از ۸۰ درصد کارگران ماهر و نیمه ماهر اروپایی منجر شد، چیزی که اوضاع را بدتر کرد. (Saval, 2017) نتیجه آن، گرایش به سمت "ناسیونالیسم اقتصادی" ۱۱ بوده است که یک پلتفرم سیاستی است که سه عنصر اصلی را با هم ترکیب می‌کند: (۱) انزواطلبی؛ (۲) محافظه کاری اقتصادی؛ و (۳) روایتی ناسیونالیستی که غالباً با هدف "بازپس‌گیری کنترل" کشور متمرکز است. (Colantone and Stanig, 2018:58) این روایت شامل حمایت از حاکمیت ملی و همچنین دفاع از همگونی فرهنگی و شیوه زندگی ملی است. حمایت‌گرایی غالباً از منظر هویت، غرور ملی و خودکفایی مطرح می‌شود.

۳-۳) بحران مهاجرت

مهاجرت مردم به عنوان مکانیسمی برای تلاقی و ارتباط فرهنگی بین مناطق مختلف اروپا عمل می‌کرده‌است؛ اما به مرور زمان با توجه به مهاجرت‌های افسار گسیخته و بی‌رویه به خصوص از آفریقا، خاورمیانه و شرق اروپا به طرف غرب این قاره، موج نگرانی میان برخی از سیاستگذاران و مردم اروپای غربی شده‌است. بحران‌های مالی نیز به حساس شدن بیشتر مردم این کشورها در برابر مهاجران منجر شده، در نتیجه چالشی چهارجانبه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایجاد کرده که مشکلات زیادی برای کشورها، حتی در حوزه‌های امنیتی به وجود آورده‌است. (Battisti and ather, 2018: 1148)

بنابراین مساله مهاجرت و پناهجویی نقش مهمی در مناظرات ملی و عاملی برای جذب آراء توسط احزاب راست پوپولیسم و همچنین ایجاد همگرایی بیشتر بین این احزاب، تبدیل شد، همچنین توجه به هویت های فروملی و ملی در مقابل هویت فراملی افزایش داد. با وجود تاثیر عوامل مادی و اقتصادی به نگرش ضد مهاجرتی در اتحادیه اروپا، نگرش ها اغلب فرهنگی و هویتی هستند. مجموعه وسیعی از ادبیات موجود نشان می دهد که نگرانی های فرهنگی و هویتی در مورد مهاجرت در واقع پیشران قویتری است. (Kriesi, 1998: 165). یکی از دلایل اصلی رای دادن به خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا را نیز بحران مهاجرت می دانند و آن را به نگرانی در مورد هویت و امنیت مادی مربوط می دانند. (Essex University, 2017). بنابراین از مهاجر اغلب برای تحکیم ایدئولوژی هویت مشترک و حاکمیت ملی استفاده می شود. (Roger Bromley, 2017).

۶) عوامل سلبی ناکامی پروژه اروپایی گرایی به جای ملی گرایی

اتحادیه اروپا براساس این ایده بنا شد که ملی گرایی نباید در اروپا که در طول جنگ جهانی اول و دوم بروز کرده بود دوباره سر برآورد، هویتی جدید (اتحادیه گرایی) جایگزین آن شود. (Daley, 2016)

بنابراین این سوال پیش می آید، آیا چیزی به به نام هویت اروپایی می تواند شکل بگیرد؟ تعدادی از دلیل وجود دارد که به مرور و نقد آن می پردازیم.

۶-۱) اشتراکات قومی - زبانی، گرچه اغلب زبانهای اروپایی به خانواده هند و اروپایی تعلق دارند، اما خطوط و افتراق زبانی بین زیر خانواده های لاتین، ژرمنی و اسلاو وجود دارد. در عین حال، پیامدهای فاجعه بار سیاسی ناشی از استنباط قومی از روابط صرفاً زبانی، محدودیت های جدی در این زمینه را برای هرگونه حمایت از ایده اروپایی از نظر قومی - زبانی نشان می دهد. (Smith, 1992: 56-57)

۶-۲) جغرافیای فرهنگی و نمادگرایی سرزمینی، ایده "خانه" اروپایی از اورال تا اقیانوس اطلس به دلیل عدم وجود موانع جغرافیایی جدی (به غیر از آلپ و پیرنه و شاید کارپات ها و راین و کانالها) توسط فضای ژئوپلیتیکی محافظت شده بین اقیانوس اطلس و مدیترانه پناهگاه دائمی برای یکاروپای متشکل ایجاد کرده است. اما در شمال و غرب واقعیت دارد، هیچ مشابهتی در جنوب و شرق ندارد. دریای مدیترانه یک مرز نفوذ ناپذیر است، در حالی که در شرق دشت های باز، نه توان دفاعی و نه مرز دارند. در حوزه نماد گرایی نیز رومیها در دوران قدرت یابی خود بخش بزرگی از اروپا را تحت یک نظام واحد حکومتی درآوردند و دوران اوج حکومت آنها بود، اما حکومت آنها یک امپراتوری به شمار می رفت و هویت مشترک اروپایی را افاده نمی کرد. (ابولحسن شیرازی، نیکو، ۱۳۹۴: ۱۰)

۶-۳)، مساله قدیمی تقسیمات مذهبی موجود است. با وجود اکثریت مسیحی اروپایی ها، قوی ترین اختلافات هنوز هم در میان است برای مثال "مسیحیت غربی" (کاتولیک و پروتستان) برای موقعیت یونان و مجارستان و صربستان در جامعه اروپا مشکلاتی را به همراه دارد، اگر دین معیار واقعی هویت است، تقسیم بزرگ بین دولت های پروتستان و کاتولیک اروپا، چیست؟ از نظر سیاسی،

ممکن است اختلافات کاتولیک ها و پروتستان ها کاهش یافته باشد، اما باز هم تا کجا؟ مساله تقابل غرب و شرق، کاتولیک گرای و پروتستان‌تیسیم در برابر ارتدکس شرقی، مسیحیت در برابر اسلام ویژگیهای مهم هویتی قاره اروپاست که بن مایه های تقابل و تضاد را دارند. (حبیب اله ابولحسن شیرازی، حیمد نیکو، ۱۱: ۱۳۹۴)

۴-۶) آیا اکنون نگرشهای انحصاری ملی گرایانه قدیمی نسبت به بیگانگان نمی توانند به عنوان "یورو-ملی گرای" ۱۲ به شمار آورد؟ برخی شواهد برای این امر وجود دارد. این موضوع پس از سال ۱۹۹۲ تقویت شد، به نظر می‌رسید گذرنامه های مشترک و مرزهای اروپایی به "ایجاد" عنصری به هویت مشترک درک شده کمک خواهد کرد. اما شواهد موجود در زمینه اقدام سیاسی مشترک، به ویژه در زمینه دفاع و سیاست خارجی تا به امروز دلگرم کننده نبوده است. (Smith, 1992: 57)

۵-۶) سیستم آموزش عمومی و استاندارد، هیچ سیستم پان اروپایی وجود ندارد، آنچه که آموزش می دهند یا از آموزش حذف می‌کنند، بر اساس اولویت های ملی و نه اروپایی تعیین می‌شود. این را می توان با یک نگاه به متون درسی مدارس تأیید کرد. محتوا و چارچوب کتابهای درسی تاریخی مدارس فرانسه بر اساس لایوسک، پایه ریزی شده است. در انگلیس بحث درباره تاریخ انگلیس در مقابل تاریخ اروپا و جهان قرار دارد.

۶-۶) در مورد رسانه های جمعی، تنوع بیشتری بین اروپایی ها وجود دارد. اولویت های ملی بسیار مشهود است. روایت های خبری که معمولاً پخش می شوند از موضع ملی تفسیر می شوند. درام، نمایش های کم‌دی، قصه های کودکان، حتی گزارش های هواشناسی مطابق با مقتضیات کشور چشم انداز اول آنها است.

به دلایل فوق اتحادیه اروپا منطقه ای است که از نظر ماهیت و معیارهای دقیق اثبات گرایانه ملی گرای قابل قبول نمی تواند جایگزین دولت ها شود، اگر چه برخی تحلیل گران اروپایی با تکیه بر وجود تجارب دوره ها و ارزش های مشابهی همچون مسیحیت، امپراطوری رم، عصر روشنگری، صنعتی شدن، رنسانس، فردگرایی و انسان گرایی قصد دارند تا اتحادیه اروپا را بهره مند از فرهنگ تاریخی اروپایی نمایند. به باور هابرماس وجود دو نقیصه تاریخ مشترک و خاطره جمعی مانعی اساسی در هم گرای اروپایی به شمار می آید. اتحادیه اروپا در درونی سازی هویت و پذیرش عمومی جامعه ناکام بوده است، در مقابل تلاش اتحادیه اروپا برای ایجاد نوعی هویت، هویت های ملی و فروملی، تقویت شده اند. (کیانی، ۱۰۵-۱۰۴: ۱۳۸۹)

۷) رشد ناسیونالیسم پوپولیسم در اروپا

در نتیجه عوامل فوق یک نوع بی میلی رو به افزایش نسبت به اتحادیه اروپا به وجود آمد و گرایشی به سوی احزاب پوپولیست - ناسیونالیستی در بسیاری از کشورها بروز نمود. بسیاری از این احزاب نسبت به اتحادیه اروپا بدگمان هستند و به نفع حفظ ارزش ها و قدرت سیاسی کشور خود تلاش می کنند. (Trunk & Klaukka, 2017) احزاب راست افراطی ۱۳ در سالهای اخیر موفقیت قابل توجهی در اروپا داشته اند. در تحقیقی که توسط گاردین انجام شد، مشخص شد که بیش از یک چهارم اروپایی ها در آخرین انتخابات خود به پوپولیست رای داده اند و در دولت های ۱۱ کشور اروپایی نیز احزاب پوپولیست حضور دارند. (Ioanna-India

(McTaggart, 2019)

ایدئولوژی این احزاب و طرفداران آنها چیست؟ احزاب راست رادیکال بر موضوعات فرهنگی-اجتماعی بیش از موارد اقتصادی تأکید می کنند، بنابراین هویت ملی در سیستم های احزاب راست رادیکال معاصر نقش اساسی دارد. (Betz, H.-G. and Johnson, C. 2004:318) اما عوامل اقتصادی نیز در سیاست های آنها قابل مشاهده است (McGann, A. J. and Kitschelt, H. 2005:163)

Many who support right-wing parties think European integration has hurt their nation's economy

% who say the economic integration of Europe has weakened their country's overall economy

Among those who ...		Support	Do not support	Diff
		%	%	
France	National Rally	83	46	-37
Sweden	Sweden Democrats	65	28	-37
UK	UKIP	64	34	-30
Germany	AfD	49	21	-28
Czech Rep.	SPD	44	17	-27
Netherlands	PVV	58	32	-26
Netherlands	FvD	52	30	-22
Italy	Lega	68	52	-16
Hungary	Jobbik	27	15	-12
Slovakia	OLaNO-NOVA	17	29	+12
Hungary	Fidesz	8	27	+19

Note: Only statistically significant differences shown. "Support" percentages represent respondents who have a favorable view of each party. "Do not support" percentages represent respondents who have an unfavorable view of each party. For more information on European populist parties, see Appendix A.

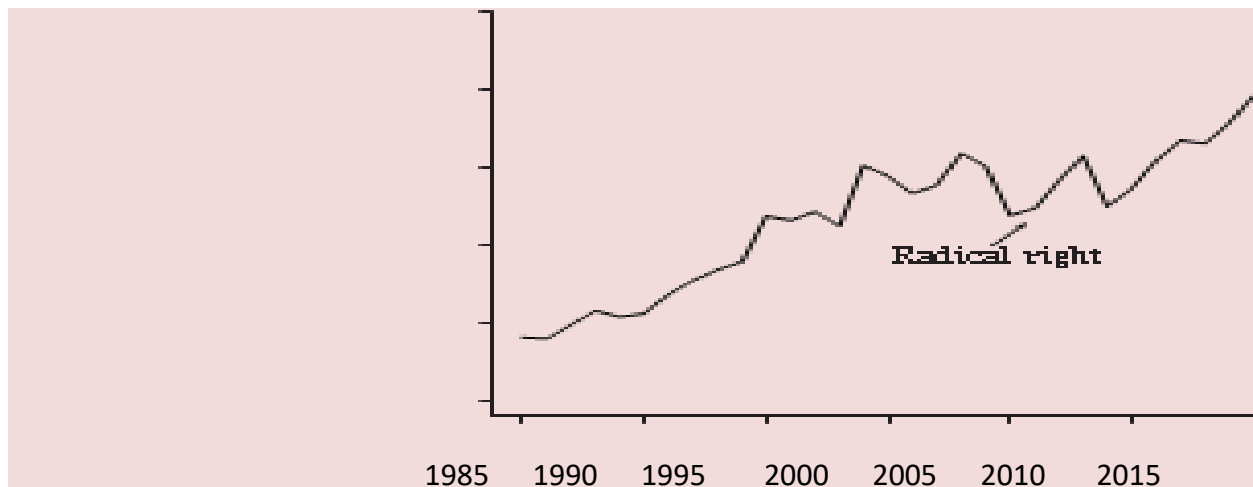
Source: Spring 2019 Global Attitudes Survey. Q14.

PEW RESEARCH CENTER

در دهه های اخیر، احزاب راست رادیکال در اروپا ترجیح خود از اقتصاد راست گرا (بازار آزاد) را رها کرده اند و به طور فزاینده ای از سیاست های حمایت از ملی گرایی در دو حوزه اقتصادی و اجتماعی و دولت رفاه طرفداری می کنند. همچنین این احزاب و طرفداران آنها معمولاً ضد اتحادیه اروپا و ضد مهاجرت هستند. (Gingrich, A. and Banks, M. ۲۰۰۶:۸۴)

نتایج تجزیه و تحلیل از رفتار رایج اروپاییان نشان می دهد شهروندانی که دارای نگرش های سیاسی ضد مهاجر/ ضد چندفرهنگی، و ضد اتحادیه اروپا هستند، به احتمال زیاد به احزاب راست رادیکال رأی می دهند. (Gingrich, A. and Banks, M. 2006:93). (Maureen, and Valdez. ۲۰۱۵:۱۲۲)

جدول شماره ۱: میزان شهروندان طرفدار راست افراطی در کشورهای اروپایی که میگویند ادغام اقتصادی اروپا اقتصاد کلی کشورشان را تضعیف کرده است. (PEW RESEARCH CENTER, ۲۰۱۹)



شکل ۲: میانگین متحرک ۲۰ ساله سهم آرا برای ۲۰ حزب طبقه بندی شده به عنوان راست رادیکال در اروپا.

روی هم رفته، این مواضع سیاسی یک ایدئولوژی سیاسی منسجم را تشکیل می دهند که به عنوان نئوناسیونالیسم شناخته می شود.

این احزاب معاصر دوره جدیدی از ناسیونالیسم در اروپای غربی را نمایندگی می کنند. (Arzheimer, 2008: 186)

۸) فرصت ها و تهدیدهای ملی‌گرایی جدید اتحادیه اروپا برای جمهوری اسلامی ایران

ظهور ملی‌گرایی جدید در اتحادیه اروپا، فرصت‌ها و تهدیدهایی را برای جمهوری اسلامی ایران در سطوح اندیشه‌ای، مناسبات و کشورهای این اتحادیه به ویژه بریتانیای پس از برگزیت ایجاد خواهد نمود که شناخت آن برای مواجهه و سیاست‌گذاری مناسب ضرورت دارد.

۸-۱) رویکرد اروپا در قبال ایران

در ابتدا این طور به نظر می‌رسید که رشد ملی‌گرایی در اتحادیه اروپا خیلی نمی‌تواند در روابط اتحادیه با کشورهای غیر اروپایی به خصوص ایران تأثیرگذار باشد؛ رخداد برگزیت به عنوان نماد ملی‌گرایی جدید در اتحادیه اروپا این موضوع را برجسته کرد که نه تنها موجب توجه بیشتر اتحادیه اروپا به ایران شده بلکه برای ایران چالش‌ها و فرصت‌های مختلفی را ایجاد کرده است.

۸-۱-۱) امنیت و مهاجرت، اروپا معتقد است باید سازوکارهای جهانی و منطقه‌ای برای مقابله با هرگونه هرج و مرج از سوی ایران در مناطق پیرامون خود ایجاد کند، حفظ برجام در قالب دیپلماسی چندجانبه به اولویت فوق‌کمک می‌کند. توافق هسته‌ای با ایران، یک بیان واضح از حمایت اروپا از نظم چندجانبه است و این تنها راه ممکن برای دستیابی به صلح و امنیت در داخل و خارج است. (European Union Global Strategy, 2016: 16) بنابراین برجام و حفظ آن به مثابه محصول چندجانبه‌گرایی از سوی اروپا مورد توجه قرار گرفته است. (Tocci, 2014: 14) در واقع، هرگونه تحول در مجموعه اتحادیه اروپا، تقویت و تضعیف آن و

نهایتاً همگرایی یا واگرایی در میان دولتهای عضو بر این موضوع تأثیر می‌گذارد. (Javadi, 2016: 3)

خاورمیانه از جمله مناطقی است که از آنجا مهاجرین زیادی به اروپا رهسپار شده‌اند. اروپا در تلاش است از طریق حمایت از ثبات و امنیت در منطقه، چالش بحران مهاجرین را مدیریت نماید و به نارضایتی‌های عمومی شهروندان اروپایی پاسخ دهد. توجه به مقوله امنیت و ثبات در خاورمیانه و حمایت و همکاری با کشورهایی که در صلح و ثبات منطقه از نقش و نفوذ بیشتری برخوردار هستند،

از دامن زدن به زمینه های ملی گراییدر اثر مهاجرت به اروپا می‌کاهد. نقش ایران به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای در تأمین ثبات منطقه خاورمیانه می‌تواند از تعداد پناهندگان به اروپا بکاهد.

۸-۱-۲) فرصتهای اقتصادی، خروج بریتانیا، بر بازار مصرف اتحادیه تأثیرگذار خواهد بود، ایران می‌تواند نقش مهمی در برخی از متغیرهای اقتصادی به خصوص در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی و بازار مصرف کالاهای اروپایی ایفاء کند. در این میان اروپا برای حفظ نقش خود در معادلات بین‌المللی تلاش می‌کند نتایج ناخواسته ناشی از خروج بریتانیا را مدیریت کند. ایران نیز می‌تواند از موقعیت‌های پیش آمده در این زمینه در راستای منافع ملی خود استفاده کند.

۸-۱-۳) رویکرد احزاب ناسیونالیستی به ایران، همچنین این پرسش مطرح است که آیا به قدرت رسیدن احزاب ناسیونالیستی در کشورهای اروپایی، این موضوع می‌تواند در راستای منافع جمهوری اسلامی ایران باشد یا خیر؟ در برنامه‌های احزاب راست افراطی اشاره شفافی به ایران نشده است. با وجود این حزب یویک مجارستان به صراحت خواستار انعطاف بیشتر در برابر بازارهای شرقی و فروش محصولات مجارستان در روسیه، چین و حتی ایران به جای اتحادیه اروپا بود. شاید بتوان گفت پیروزی این احزاب بتواند برای ایران مناسب باشد. اگر این احزاب بتوانند به عنوان حزب اصلی در انتخابات به پیروزی برسند ممکن است ساختارهای اروپایی به ویژه در موضوع ایران آزادی عمل زیادی ندهد. بنابراین، نمی‌توان به این موضوع امیدوار بود صرف به قدرت رسیدن احزاب راست افراطی در کشورهای اروپایی، روابط تهران- بروکسل، روابط بهتری شود، زیرا روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا تحت تاثیر شرایط و مولفه‌های مختلف شکل می‌گیرد. (علیرضا ثمودی، ۱۳، ۱۴۰۰-۱۳۱)

۸-۲) رویکرد بریتانیای پس‌اب‌گزیت در قبال ایران

بریتانیای پس از خروج، از قید و بندهای اتحادیه مانند ملاحظیات حقوق بشری و سیاست خارجی رها شده است و برگزیت فضای جدید از بازیگری مبتنی بر نیازمندیها و الزامات نوین ملی را پیش روی سیاست خارجی این کشور قرار می‌دهد. این موجب حضور سیاسی و نظامی گسترده‌تر بریتانیا به ویژه در منطقه خاورمیانه خواهد شد و موجب شکل‌گیری صف بندی های منطقه ای جدید می‌گردد.

۸-۲-۱) چالشهای امنیتی برای ایران، بریتانیا می‌خواهد الگوی بریتانیای جهانی را دوباره بازنمایی کند از این رو افزایش حضور سیاسی و نظامی بریتانیا در خلیج فارس که احتمالاً منافع و جایگاه ایران را در منطقه تحت تأثیر قرار خواهد داد و به یکی از دغدغه های اصلی سیاست خارجی و سیاست گذاران داخلی منجر می‌شود. (www.gov.uk, 2016)

ایران به دلیل اهمیت تاریخی موقعیت جغرافیایی، توسعه اقتصادی و فناورانه و استراتژیکی (Khan, 2011:48) با دارا بودن ۱۱,۱ از ذخایر نفتی جهان و ۱۵,۳ درصد ذخایر گازی جهان (Cordesman, Al-Rodhan, 2006:46) و عناصر نفوذ و قدرت سخت و نرم را در خاورمیانه اهمیت زیادی دارد. به همین دلیل بریتانیا از موقعیت ژئوپلتیکی ایران نگران است و می‌کوشد تا از طریق همکاری با غرب به ویژه ایالات متحده آمریکا و متحد ساختن کشورهای عربی آن‌ها را به مقابله با ایران سوق دهد. (Alshayji, 2002: 224-225) حتی برخی از دولت های عربی با در اختیار قراردادن پایگاه نظامی و فرصت های اقتصادی به سیاست خاورمیانه ای بریتانیا در دوره پس‌اب‌گزیت از این کشور حمایت‌ها و پشتیبانی‌هایی را در قبال نفوذ ایران طلب می‌نمایند. (علی محمدیان، احمد نقیب زاده ۱۳۲-۱۳۹۷-۱۳۳)

۲-۸) کنشگری منطقه ای ایران، بریتانیا درصدد خواهد بود تا در دوره پسابرجزیت با تحکیم روابط خود با کشورهای عربی زمینه در انزوا قرار دادن و محدود کردن ایران در خلیج فارس را فراهم سازد و از طریق ایران هراسی اهداف خود را دنبال کند. حضور بریتانیا به طور قطع بر حوزه و انعطاف کنشگری جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه تأثیر برجای خواهد گذاشت و بر این اساس لازم است با به کارگیری رویکردهای سلبی و ایجابی سیاست گذاری های مناسبی را اتخاذ نمود.

۳-۲-۸) فرصت های اقتصادی، برگزیت می تواند فرصت های اقتصادی نیز برای ایران ایجاد نماید. لندن با توجه به ظرفیت های ایران و امکان توسعه روابط تجاری، تهران را به عنوان بخشی از استراتژی پسابرجزیتی خود در زمره طرح های مهم برای روابط تجاری با خود قرار داده است. در سال ۲۰۱۶ تا ماه نهم همان سال صادرات بریتانیا به ایران رشدی ۴۲ درصدی قبل از تحریم ها داشته است. (Erdbrink & Krauss, 2016) پس از گذار از تحریم های آمریکا، ظرفیت مناسبی برای توسعه روابط اقتصادی دو جانبه وجود خواهد داشت.

۳-۸) تحریک ملی گرایی قومی در ایران

ناسیونالیسم در شکل ایدئولوژیک آن در دوران قاجار و در اثر ارتباط های گوناگون با غرب در کنار سایر اندیشه ها و دستاوردهای تمدن جدید اروپا وارد ایران شد و به تدریج به صورت یکی از اجزای اصلی جریان تجدد خواهی ایران درآمد. ناسیونالیسم در ایران پدیده ای چالش آفرین در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی بوده و در ایران معاصر و به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در شکل حاد و افراطی اش در تقابل با آرمانها و ایدئولوژی اسلامی قرار گرفته است.

موضوعی که مطرح می گردد این است که هم اکنون با ظهور چهره جدید ناسیونالیسم در اروپا و با توجه به وجود زمینه ای ناسیونالیسم قومی ۱۴ در ایران، امکان دارد چالش هایی را برای کشور ایجاد کند، به ویژه در حوزه عنصر زبانی که مهم ترین مقوله برای برانگیختن احساسات ناسیونالیستی قومی است. ایران در مقوله تنوع زبانی و قومی در جهان با ۲۴ درصد همانندی، در رتبه شانزدهم قرار دارد. در ایران اگر چه فارسی زبانان با بیش از ۶۰ درصد جمعیت، اکثریت دارند، (دیوسالار، ۱۳۸۷) لیکن وجود شش قومیت عمده در درون این واحد ملی و تاثیرات شگرف آنها بر سیر تحولات تاریخی واقعیتهای انکار ناپذیر است و می تواند مبنای پیش بینی وضعیت آینده امنیتی کشور باشد.

۷) تحلیل داده ها، نتیجه گیری

در این پژوهش عوامل جهانی شدن، بحران اقتصادی، مهاجرت به عنوان پیشران انگیزه های هویتی در افزایش گرایش های ناسیونالیستی جدید در اتحادیه اروپا بررسی گردید، بر اساس بررسی داده ها و نتایج؛ عوامل هویتی "نقطه کانونی" ریشه های ملی گرایی جدید می باشد.

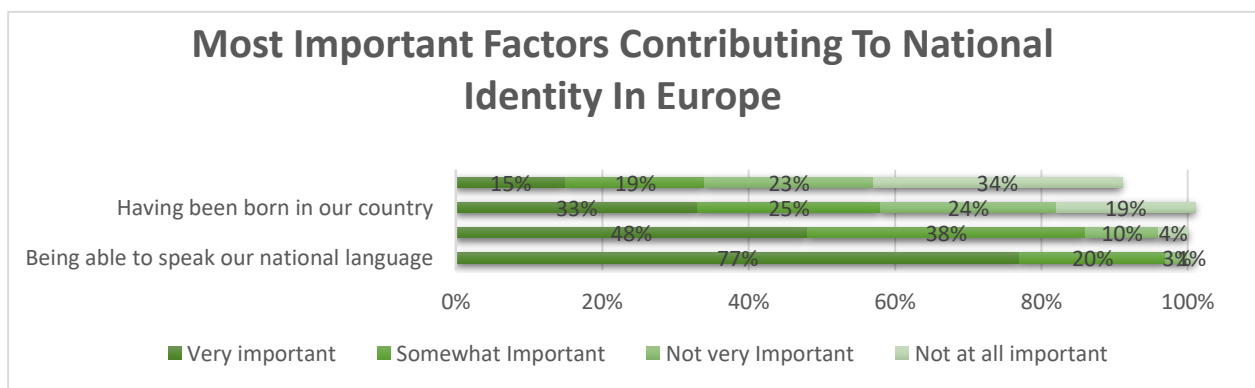
در این راستا نظرسنجی ها نشان می دهند که ۴۵ درصد از شهروندان اروپایی جهانی شدن را یک تهدید می دانند، ۳۵ درصد چشم انداز اقتصادی خود را در اضطراب و ۵۳ درصد از دست دادن هویت برای کشور خود را می بینند. (European

Commission, 2017)

همچنین فقدان حس تعلق به یک هویت اروپایی در میان شهروندان اروپایی وجود دارد. مثلاً در بریتانیا در سال ۲۰۱۱ بیش از ۸۰٪ مردم اطلاعات کافی یا هیچ دانشی در مورد اتحادیه اروپا و سیاست‌ها و موسسات آن نداشتند. این نشان می‌دهد تعلق خاطر به اندازه کافی به این اتحادیه ندارند. (European Commission, 2012)

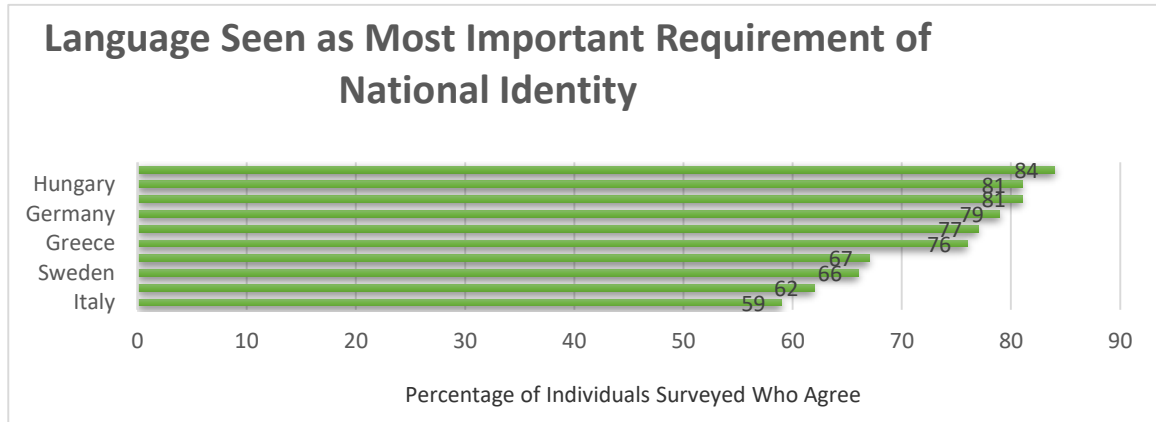
بر اساس داده‌های دور هفتم (۲۰۱۴) پیمایش اجتماعی اروپا (ESS) در میان پاسخ دهندگانی که نگران تأثیر مهاجرت بر اقتصاد هستند، نوزده درصد، در حالی که تقریباً بیست و سه درصد کسانی که نگرانی در مورد تأثیر مهاجرت بر فرهنگ و هویت دارند، به راست افراطی رای دادند. این با گفته‌های قبلی سازگار است، کسانی که دغدغه‌های فرهنگی و هویتی دارند بیشتر به احزاب ناسیونالیست رأی می‌دهند.

نظریه‌های ملی‌گرایی بر تأثیر همه جانبه زبان، فرهنگ و حتی اهمیت قومیت در شکل‌گیری هویت ملی تأکید داشتند، اما نتایج نظرسنجی نگرش‌های جهانی ۲۰۱۶ نتیجه جالب توجهی را بر اساس این فرضیات نشان می‌دهد.



شکل ۳: مهم‌ترین عوامل کمک‌کننده به هویت ملی در اروپا (تحقیقات پیو، بررسی نگرش جهانی Q85A-D)

میانگین حیرت‌انگیز ۹۷٪ افراد مورد بررسی از ده کشور اتحادیه اروپا معتقدند که زبان مشترک عامل مهمی در کمک به هویت ملی است. از این ۹۷٪، ۷۷٪ بر زبان به عنوان یک عامل بسیار مهم هویت ملی تأکید و ۳۳٪ نیز معتقدند زادگاه یک عامل بسیار مهم هویت ملی است. داده‌ها ضرورت زبان مشترک در شکل‌گیری هویت ملی را تأیید می‌کنند، موضوعی مشترک که در بسیاری از تئوری‌های ملی‌گرایی یافت می‌شود. در این نظرسنجی همچنین ۸۶٪ آداب و رسوم ملی را عامل مهمی در ایجاد هویت ملی در اروپا می‌دانند، و ۳۴٪ نیز معتقدند که وابستگی به دین ملی ۱۵ مهم است. این داده‌ها جنبه‌های زیادی از مدل نمادگرایی قومی آنتونی اسمیت را تأیید می‌کنند. (pewresearch, 2016)



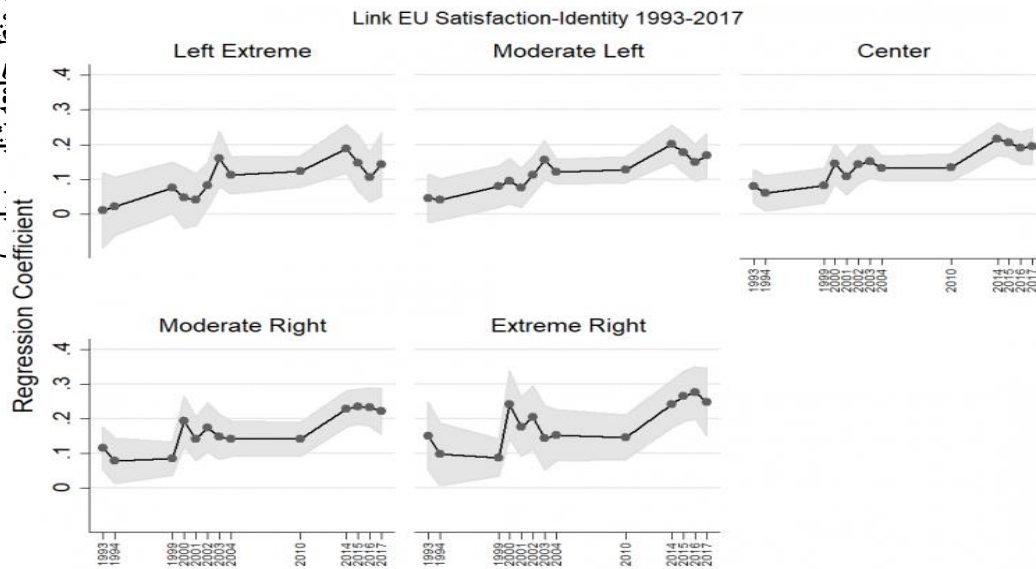
شکل

۴ (تحقیقات پیو، بررسی نگرش جهانی بهار ۲۰۱۶ Q85B)

در جایی که شکل ۳ اهمیت زبان مشترک به عنوان یک عامل موثر در هویت ملی بیان می‌کند، شکل ۴ زبان را به عنوان مهمترین عامل هویت ملی توسط دولت بیان می‌کند. اهمیت زادگاه برای هویت ملی در مقایسه با فرهنگ و زبان با توجه به داده‌های میانه‌ای که در شکل ۴ به دست آمده است، نسبتاً کم بود، با این حال، هنوز هم اهمیت آن را نشان می‌دهد با میانگین ۵۷٪ معتقدند که این یک عامل مهم است. (pewresearch,2016)

ملی‌گرایی جدید در اروپا و پیامدهای آن برای ایران

(از: نشر - جامعه - ایران)



شکل ۵: رابطه بین هویت ملی و ارزیابی اتحادیه اروپا (۱۹۹۳-۲۰۱۷)

برای نشان دادن یافته اصلی این

مقاله، شکل ۵ تأثیر هویت ملی را بر ارزیابی های عمومی از عملکرد اتحادیه اروپا در میان کشورهای عضو ترسیم می‌کند. هر نقطه روی خط ناهموار نشان دهنده یک ضریب رگرسیون است که نشان دهنده تأثیر ملی‌گرایی بر ارزیابی عملکرد عمومی اتحادیه اروپا است. با توجه به هدف پژوهش، تأثیر ناسیونالیسم بر ارزیابی‌های اتحادیه اروپا در طول سال‌ها و در بین گروه‌های ایدئولوژیک تخمین از چپ افراطی، چپ میانه‌رو، میانه، راست میانه‌رو و راست افراطی زده شده است.

نکته مهم این است که ناسیونالیسم بر طیف وسیع تری از عموم مردم اروپا تأثیر می گذارد. این افزایش نه تنها برای افراد با دیدگاه های ایدئولوژیک با گرایش راست، بلکه برای افرادی با دیدگاه های ایدئولوژیک میانه رو راست میانه و چپ میانه نیز رخ می دهد. این امر به ویژه برای اتحادیه اروپا نگران کننده است. هر چقدر ادغام در اروپا تقویت می شود، گرایش به ملی گرایی افزایش پیدا می کند، زیرا به طور معمول، افراد ارتباطات عاطفی قوی با واحد سیاسی- سرزمینی که در آن زندگی می کنند، ایجاد می کنند، واحدی که به عنوان دولت- ملت شناخته می شود. (Team, 2019)

بنابراین عامل مهم در ظهور ملی گرایی جدید برجسته شدن گرایش به هویت تاریخی و علقه های پیشینی قومی و ملی در بستر جهانی شدن و پیشران های آن بحران مهاجرت و مشکلات اقتصادی است. در نتیجه ملی گرایی جدید نتیجه نظرات متضاد در مورد اثر بخشی اتحادیه اروپا در ساخت یک ایدئولوژی فراملی به جای ملی گرایی است، (Bloom, 1990:52) در تایید فرضیه این مقاله نشان داده شد که انگاره های هویتی نقش برجسته تری از سایر مولفه ها در ظهور ملی گرایی جدید دارد و در شکل گیری هویت ملی و قومی زبان و زادگاه تأثیر گذارترین مولفه ها هستند، علاوه بر تهدیدات و فرصت های امنیتی و اقتصادی ملی گرایی جدید اروپایی بر ایران، با توجه به وجود قومیت های گوناگون که تعلقات زبانی دارند، برجسته شدن علقه های ناسیونالیست قومی- زبانی می تواند چالش هایی را برای کشورمان به وجود آورد بنابراین، سیاست گذاری متناسب در این زمینه ضروری خواهد بود.

یادداشت:

- ۱- Anthony Giddens
- ۲- Stephen Castles
- ۳- Gerard Delanty
- ۴- Ethno-Symbolism
- ۵- Anthony D. Smith,
- ۶- National identity
- ۷- Ancientists
- ۸- Modernists
- ۹- Eric J Hobsbawm
- ۱۰- Embedded liberalism
- ۱۱- Economic nationalism

۱۲- Euro-nationalism

۱۳- Far right

۱۴- Ethnic nationalism

۱۵- National religion

منابع فارسی

۱. مرکز پژوهش‌های خاورمیانه، "برگزیت و رشد ملی‌گرایی در اروپا"، <https://www.cmess.ir>
۲. اسمیت. آنتونی (۱۳۸۳) ناسیونالیسم، نظریه، ایدئولوژی، تاریخ، ترجمه منصورانصاری، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
۳. اسمیت. آنتونی، هاچینسون. جان (۱۳۸۶) ملی‌گرایی، ترجمه مصطفی یونسی و علی مرشدیزاد، تهران: پژوهشکده مطالعات-راهبردی، ج ۱.
۴. اوزکریمی. اوموت (۱۳۸۳) نظریه‌های ناسیونالیسم، ترجمه محمدعلی قاسمی، ج ۱، تهران تمدن ایرانی.
۵. دیوسالار. مجید، (۱۳۸۷) "امنیت ملی و تهدیدهای قومی"، فصلنامه، پگاه حوزه شماره ۲۵۱.
۶. کیانی، داوود (۱۳۸۹) "هویت، امنیت و مشروعیت"، کتاب اتحادیه اروپا، هویت امنیت و سیاست، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۷. محمدیان. علی، احمد نقیب زاده. احمد (۱۳۹۷) "سیاست خاورمیانه ای بریتانیا در دوره پسابگزیت مطالعه موردی: خلیج فارس"، فصلنامه روابط خارجی، سال دهم، شماره چهارم.
۸. ثمودی. علی (۱۴۰۰) پوپولیسم اروپایی، تهران: موسسه ابرار معاصر.
۹. شیرازی، حبیب اله ابوالحسن، نیکو، (۱۳۹۴) جایگاه فرهنگ در هویت مشترک اروپایی و همگرایی اتحادیه اروپا، فصلنامه علمی روابط بین الملل دوره ۸، شماره ۲۹.

منابع انگلیسی

۱۰. Seton Watson. Hugh (1977) *Nations and States*, London: Methuen Press.
۱۱. Breuilly. John (1993) *Nationalism and the State*, Chicago: University of Chicago Press.
۱۲. Kaldor. Mary "Cosmopolitanism vs. Nationalism: The New Divide?" also *Old and New Wars* (1999) Cambridge: Polity Press.
۱۳. Jurgensmeyer. Mark (2002) "The Paradox of Nationalism in a Global World" in *The Postnational Self*, Ulf Hedetoft and Metter Hjort (eds.), Minneapolis: University of Minnesota Press.
۱۴. Delanty. Gerard and O'Mahony. Patrick (2002) *Nationalism and Social Theory*, London: SAGE.

۱۵. Giddens. Anthony (2002) *Runaway World*, London: Profile Books.
۱۶. Giddens. Anthony (1985) *The Nation-State and Violence*, Cambridge: Polity Press.
۱۷. Giddens. Anthony (1990) *The Consequences of Modernity*, Cambridge: Polity Press.
۱۸. Giddens. Anthony,(2013) *The Consequences of Modernity*, Stanford University Press.
<https://www.sup.org/>
۱۹. Delanty, Gerard (2000) *Citizenship in the global age: culture, society and politics*. Open University Press, Buckingham.
۲۰. Wallerstein. Immanuel (1991) *Geopolitics and Geoculture*, Cambridge: Cambridge University Press.
۲۱. Smith. Anthony D,(1990)"Towards a Global Culture? ", *Theory, Culture & Society*, Vol 7. <https://doi.org/10.1177%2F026327690007002011>
۲۲. Smith. Anthony D,(1992)" National identity and the idea of European unity,International Affairs", Volume 68, Issue 1, January 1992, Pages, <https://doi.org/10.2307/2620461>
۲۳. D. Smith, Anthony, (1991). *National identity*, University of Nevada Press.
۲۴. D. Smith, Anthony, (1998). *Nationalism and Modernism*. 1st ed. London 26.
۲۵. D. Smith, Anthony, (2004), *The Antiquity of Nationalism*, London:Polity Press.
۲۶. D. Smith, Anthony, (2008),*The Cultural Foundation of Nations Hierarchy ,Covenant, and Republic*,Oxford:Blackwell Publishing.
۲۷. D. Smith, Anthony, (1995). *Nations and Nationalism in a Global Era*. Cambridge: Polity.
۲۸. D. Smith, Anthony (2001) *Nationalism: Theory, Ideology, History*. Cambridge: Polity.
۲۹. D. Smith, Anthony, (1979) *Nationalism in the 20th Century*, Oxford: Martin Robertson.
۳۰. Bloom. Willam, W. (1990). *Personal Identity, National Identity and International Relations*. Cambridge: Cambridge University Press.
۳۱. J Hobsbawm, Eric. (1990). *Nations and Nationalism since 1870: Programme, Myth, Reality*. Cambridge: Cambridge University Press.
۳۲. Montserrat. Guibernau (1996) *Nationalisms: The Nation-State and Nationalism in the Twentieth Century*. Cambridge: Polity Press.
۳۳. Clark. Ian (1997) *Globalization and Fragmentation*. Oxford: Oxford University Press.
۳۴. Beiner. Ronald (1995) *Theorizing Citizenship*, Albany: State University of New York Press.
۳۵. Castles. Stephen and Davidson. Alastair (2000) *Citizenship and Migration: Globalization and the Politics of Belonging*, Basingstoke: Macmillan.
۳۶. Held. David (1995) *Democracy and the Global Order*, Cambridge: Polity Press.
۳۷. Uksel. Ustun,(2019)" The Brexit issue: Influence of religion on English nationalism". <https://www.dailysabah.com>
۳۸. India McTaggart. Ioanna ,(2019)" "How modern nationalism led to Brexit". <http://www.uscannenbermedia.com>
۳۹. Battisti. Michele, Felbermayr, G. Peri, G. Poutvaara; (2018) "Immigration, Search, and Redistribution: A Quantitative Assessment of Native Welfare", *Journal of the European Economic Association*, 2018, vol. 16, No 4,.

۴۰. Colantone. Italo and Stanig. Piero,(2016) "*The real reason the U.K. voted for Jobs lost to Chinese competition*", The Washington Post. <https://www.washingtonpost.com>
۴۱. Goodwin. Matthew and O Heath. Oliver. (2016), "Brexit vote explained: poverty, low skills and lack of Insight: Why Britain really voted to leave the European Union", Rsearch case study of Essex University.<https://www.essex.ac.uk>
۴۲. Bromley. Roger,(1993)" The Demographic Alteration: Ethno-nationalist and Identitarianist Responses to the Immigration Crisis". <https://www.academia.edu>
۴۳. European union global strategy (2016), "Shared vision, common action: A Stronger Europe, June", <http://europa.eu/globalstrategy/en>.
۴۴. Tocci, N. (2014). "Turkey & the european union. The center on the United States & Europe at Brookings Turkey Project", 1(5).
۴۵. Javadi, M. (2016). "The future of European union after Brexit. Institute for strategic research", report197, 06 August. (in Persian).www.gov.uk/government/news/pm-meeting-with-the-king-of-bahrain-26.
۴۶. Erdbrink. Thomas., and Clifford. Krauss, (2016) "Iran races to Clinch Oil Deals before Donald Trump Takes Office", New York Times, available at: [https:// www.nytimes.com/2016/12/08/world/middleeast/iran-oil-sanctions-trump.html](https://www.nytimes.com/2016/12/08/world/middleeast/iran-oil-sanctions-trump.html)
۴۷. Alshayji, A.K. (2002)" Mutual Realities, Perceptions, and Impediment Between The GCC States and Iran, in: Security in the Persian Gulf". Palgrave.
۴۸. Saval, N. (2017)." Globalisation: the rise and fall of an idea that swept the world. From The Guardian" <https://www.theguardian.com/world/2017/jul/14/globalisation-the-rise-and-fall-of-an-idea-that-swept-the-world>
۴۹. European Commission. (2012). Updates 2012. From European Commission: http://ec.europa.eu/commfrontoffice/publicopinion/whatsnew2012_en.htm
۵۰. European Commission. (2017). "Reflecting Paper on Harnessing Globalisation. Brussels".
۵۱. . Stokes, B. (2016). "Euroskepticism Beyond Brexit". From Pew Research Center: <http://www.pewglobal.org/2016/06/07/euroskepticism-beyond-brexit/>
۵۲. Colantone, Italo, and Piero Stanig. (2018). "The Trade Origins of Economic Nationalism: Import Competition and Voting Behavior in Western Europe." American Journal of Political Science 62 (4).
۵۳. Kriesi. Hanspeter (1998) , "The transformation of cleavage politics The 1997 Stein Rokkan lecture",European Journal of Political Research volume 33, pages165–185
۵۴. Daley, J. (2016). "The EU still hasn't understood that it is a totalitarian institution". From The Telegraph: <https://www.telegraph.co.uk/news/2016/09/17/the-eu-still-hasnt-understood-that-it-is-a-totalitarian-institut/>
۵۵. Hobsbawm and Ranger, eds. (1992), The invention of tradition.Cambridge Univesity Prsse . Canto edition.
۵۶. Trunk, A., & Klaukka, G. (2017). "The rise of populist and nationalist parties in Europe: How to break the trend. From IDEA": <https://www.idea.int/news-media/news/rise-populist-and-nationalist-parties-europe-how-break-trend>

۵۷. "Betz, H.-G. and Johnson, C. (2004). " Against the current—stemming the tide: the nostalgic ideology of the contemporary radical populist right". *Journal of Political Idologies*, Vol 9.
۵۸. McGann, A. J. and Kitschelt, H. (2005). "The radical right in the Alps: the evolution of support for the Swiss SVP and Austrian FPÖ". *Party Politics*, Vol 11.
۵۹. Gingrich, A. and Banks, M. (Eds.) (2006). *Neo-Nationalism in Europe and Beyond: Perspectives From Social Anthropology*. New York: Berghahn Books.
۶۰. Eger, Maureen A., and Sarah Valdez.(2015). "Neo-nationalism in Western Europe." *European Sociological Review* 31(1).
۶۱. Arzheimer, Kai. (2009) "Protest, Neo-Liberalism or Anti-Immigrant Sentiment: What Motivates the Voters of the Extreme Right in Western Europe?." *Zeitschrift für Vergleichende Politikwissenschaft/Comparative Governance and Politics* 2.
۶۲. Manuel Castells(1997) "Globalisation and identity. A comparative perspective". <https://revistaidees.cat/en/globalitzacio-i-identitat-una-perspectiva-comparada/>
۶۳. Italo Colantone and Piero Staning,(2018)*Global Competition and Brexit*,Published online by Cambridge University Press.
۶۴. Cordesman, A. H. & Al-Rodhan, K. R (2006). "The Gulf military forces in an era of asymmetric wars: Iran". Washington DC: Center for Strategic and International Studies.
۶۵. Khan, Z. A (2011). " US post 9/11 Persian Gulf policy: Iran's concern and options". *IPRI Journal*, 11(1).
۶۶. Egger, Peter H., Sergey Nigai, and Nora M. Strecker. (۲۰۱۹). "The Taxing Deed of Globalization." *American Economic Review* 109 (2): 353–90.
۶۷. . "Torslov, Thomas R., Ludvig S. Wier, and Gabriel Zucman. (۲۰۱۸)*The Missing Profits of Nations*." NBER Working Paper 24701.
۶۸. Gellner, E. (1983). *Nations and Nationalism*. Cornell University Press. From https://books.google.es/books/about/Nations_and_Nationalism.html?id=XPHpUSUAsF0C&redir_esc=y
۶۹. Letourneau, Beyan *Nationalism and Identity in contemporary Europe* (2018) Mann, M. (1996). *The Emergence of Modern European Nationalism*. *Poznan Studies in the Philosophy of the Sciences and the Humanities*. Iss. 48. pp. 147-170. Available at: <https://philpapers.org/rec/MANTEO-9> (Accessed: 08/03/2018)
۷۰. Alexander H. and Badcock, J. (2017). Why Does Catalonia Want Independence from Spain? *The Telegraph*. Available at: <https://www.telegraph.co.uk/news/0/does-catalonia-want-independence-spain/> (Accessed: 15/04/2018)
۷۱. Nairn, T. (1975). *The Modern Janus*. *The New Left Review*. Iss. 94. London: New Left Review. Available at: <https://newleftreview.org/I/94/tom-nairn-the-modern-janus> (Accessed: 3/19/2018)
۷۲. Anderson, B. (1991). *Imagined communities*. 2nd ed. London: Verso

۷۳. Blaut, J.M. (2006). Nairn on Nationalism. Pp.1-3.
<https://onlinelibrary.wiley.com/doi/pdf/10.1111/j.1467-8330.1980.tb00650.x>
(Accessed: 14/03/2018)
۷۴. Hechter et al. (2006). Nationalism and Direct Rule. Seattle: University of Washington
۷۵. Hechter, M. (2000). Containing Nationalism. pp.15-17. New York: Oxford University Press.
۷۶. Frieden, Jeffrey. (2017). "The Politics of the Globalization Backlash: Sources and Implications." https://scholar.harvard.edu/files/jfrieden/files/the_politics_of_the_globalization_backlash.pdf.
۷۷. Blog, Team(2019),European citizens increasingly turn to nationalist orientations when developing positions on the EU.
<https://blogs.lse.ac.uk/europpblog/2019/05/07/european-citizens-increasingly-turn-to-nationalist-orientations-when-developing-positions-on-the-eu/>